

وقتی دنبال کننده زیاد بلای جان دختران جوان می شود

# دام شیطانی برای شاخ های اینستاگرام

نتوانستم در برابر خواسته شوم آنها مقاومت کنم. آنها نیمه های شب مرا در خیابانی پیاده کرده و فرار کردند. اینجا همه چیز مجازی است و اگر حواست را جمع نکنی مدیر شرکت تبلیغاتی جوان بیکار قهوه خانه نشین از کار درمی آید، افراد بیماری که برای یافتن شکار نیاز نیست زحمت زیادی به خود بدهند و کافی است چرخی در صفحات اینستاگرامی دختران جوانی بزنند که سرمست از زیبایی، به قربان صدقه رفتن مخاطب هایشان و دریافت پیشنهادات مجازی گوناگون عادت کرده اند و آمادگی ذهنی برای پذیرش هر حقه و فریبی را دارند. در پایان بهتر است صحبت های یکی از متهمان این پرونده را مرور کنیم. «بیشتر سراغ شاخ های مجازی می رفتیم. فریب آنها کار سختی نبود. شاخ شده بودند تا بتوانند با آن درآمد کسب کنند.

کمی چرب زبانی و تعریف از قیافه و تیپ و هیکل آنها باعث می شد در دام ما گرفتار شوند. همه چیز در دایرکت اینستاگرام پیش می رفت و آنها حتی آدرس محل فیلمبرداری را از ما نمی پرسیدند و فقط تاکید داشتند بعد از فیلمبرداری هزینه بازی در فیلم تبلیغاتی را می گیرند. همین اعتماد اینترنتی باعث می شد، اقدامات مجرمانه خودمان را راحت پیش ببریم.»

اگر به صفحات فارسی که در اینستاگرام باز می شود سر بزنید محال است با انبوه صفحات مربوط به دختران جوانی که خود را فعال در زمینه مدلینگ و میکاپ آرتیست و عکاس معرفی کرده اند، روبه رو نشوید. دخترانی که حجم بالای دنبال کننده را از راه انتشار تصاویر و فیلم های مربوط به زندگی خصوص شان به دست می آورند و به قول خودشان از این راه نان می خورند. عکس بیشتر، دنبال کننده بیشتر و مخاطب بیشتر درآمد بیشتر!!

سروان سمانه  
مهربانی

فیلمبرداری قرار می گذارند. بدون کوچک ترین بررسی که آیا ردی در دنیای واقعی از ادعاهای اعلامی از سوی فرد تماس گیرنده وجود دارد یا نه، خانم مدل، سرمست از قابلیت خود و تشنه کسب درآمد بیشتر از راه قیافه و صورت، راهی محل قرار می شود و چیزی که در نهایت رخ می دهد سوء استفاده از دختر جوان توسط چند جوان قهوه خانه نشین است.

یکی از طعمه های اعضای این باند درباره روز حادثه می گوید: قرار بود راننده شرکت دنبالم بیايد. در میانه راه او مقابل پای پسر جوانی توقف کرد. می گفت یکی از همکاران شرکت است.

به موضوع شك نکردم. به سمت جنوب تهران رفت و در يك لحظه همه چیز تغییر کرد. برق چاقو به چشمم زد و صدایی خشن که می خواست مقاومت نکنم. به جای شرکت فیلمسازی به بیابان های اطراف تهران رفتیم و

در ظاهر کسب و کاری زحمتی است. در خانه می نشینی و با انتشار تصاویر و فیلم های خصوصی و شخصی خودت دنبال کننده جمع می کنی. اما چطور می شود که پای خانم های مدل اینستاگرامی به اداره شانزدهم پلیس آگاهی باز می شود؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا یکی از پرونده ها را مرور می کنیم.

همه چیز با يك پیام خصوصی در اینستاگرام شروع شد. فردی با خانم مدل مورد نظر ما تماس می گیرد و خود را مدیر يك شرکت تبلیغاتی معرفی می کند که در کار تولید فیلم و تیزر تبلیغاتی فعالیت دارد و ادعا می کند چهره این خانم را برای همکاری پسندیده است و نمونه عکس برای خانم می فرستد که آیا توانایی گرفتن چنین ژست هایی را دارد و دختر جوان نیز با اطمینان توانایی و موافقت خود را اعلام می کند و بعد از کلی چانه زنی بر سر هزینه همکاری به توافق می رسند و برای مشاهده محل



به جای شرکت  
فیلمسازی به

بیابان های اطراف تهران

رفتیم و نتوانستیم

در برابر خواسته شوم

آنها مقاومت کنم



## نظریه کارشناس

۱- فضای مجازی محل گرفتن تصمیمات واقعی نیست. حتی اگر نقطه شروع آشنایی کاری یا عاطفی در فضای مجازی باشد برای محافظت از خود باید موارد مطروحه را در دنیای واقعی سنجیده و از درستی آن اطمینان حاصل کنیم.

۲- در اولین ملاقات های کاری یا عاطفی چه مجازی و چه واقعی تنها مراجعه نکنیم. اطرافیانمان را در جریان قرار دهیم و در مکان های عمومی قرار بگذاریم و از سوار شدن به خودرو افرادی که تازه با آنها آشنا شده ایم، خودداری کنیم.

۳- افراد کلاهبردار و اغفالگر به خوبی با مشاهده تصاویر و اطلاعات شخصی که مادر صفحات خود در شبکه های مجازی به اشتراک می گذاریم با روان شناسی مخاطب خود آشنا شده و مسیر موثر اغفال و فریب ما را پیدا می کنند.

۴- همین الان نگاهی به صفحه شخصی خود در اینستاگرام، فیسبوک و... انداخته و بررسی کنید يك فرد غریبه بدون کوچک ترین هزینه ای می تواند به چه اطلاعات ذی قیمتی در مورد شما، اعضای خانواده و دایره دوستان و آشنایان، علایق، اعتقادات، شغل، محل سکونت و حتی این که شما در سفر هستی یا در محل کار دست پیدا کند.

۵- برخلاف تصور افراد، فضای مجازی به مراتب خطرناک تر از دنیای واقعی است، به راحتی اطمینان نکنیم و خود را در دام ذهن های بیماری که در شبکه های اجتماعی در جست و جوی قربانی می گردند، گرفتار نکنیم.